

## مفهوم زمان، وضع طبیعی، قرارداد در زیست – جهان فضای مجازی

پریسا امیری فرد<sup>۱</sup>

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور استان مرکزی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۵ – تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲)

### چکیده

مقوله «زمان» در فضای مجازی به تعبیر ویتگنشتاین مانند «مفاهیم خوشه‌ای» عمل می‌کند، به این معنا که هسته مرکزی ثابتی ندارد، ولی محل تلاقی مفاهیم متعددی قرار می‌گیرد. فضای مجازی با نوعی تکوین و تجدیدی در وضعیت استاتیک انسان ذیل دوگانگی 0-1 تا بی‌نهایت «محل بودن ما» را مشخص می‌کند. پرسشی که در این بحث مطرح می‌شود عبارت است از اینکه این بودن در زمان چگونه خود را در شبکه ذهن کاربر باز می‌یابد؟ پاسخ به این پرسش را با در نظر گرفتن این مسئله در نظر می‌گیریم که معیار خود را فرایند یا گرفتن ساختارهای نوین می‌یابیم. فیلسوفان به این زمان می‌گویند زمان اعتباری. این زمان اعتباری ایجادکننده یک زمانه است. زمان در قالب سه مفهوم زمان لحظه‌ای- جریان زمان و زمان تجاری در این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد و سرنمون بحث مزبور در خصوص مفهوم وضع طبیعی در فضای مجازی است. مفهوم وضع طبیعی در زمانه و زیست- جهان فضای مجازی مولد نوعی قرارداد نیز است که در نهایت انسان جدیدی را خلق می‌کند.

### واژه‌های کلیدی

زمان، شبکه، فضا، قرارداد، وضع طبیعی

## طرح موضوع

فضای مجازی در طبیعت شبکه‌ای خود مؤید نوعی فضای زندگی است. در زمانه‌ای که فضای مجازی در قرن بیست و یکم به سوی خلق انسان و جهان جدید پیش می‌رود، بررسی مفهوم زمان در فضای مجازی با بررسی ذهنیت<sup>۱</sup> کاربر و عالم<sup>۲</sup> متمایز از شبکه ذهنی او با دیگری نیست. در اینجا جهان صرفاً ذهن یا طبیعت در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه جهان برای کاربر شبکه‌ای از نشانگان است که الزاماً با روابط مجموعه‌ای صرفاً قابل ادراک نیست. شبکه طبیعت ذهنی هوشمند خود را دارد. به عبارتی فضای مجازی به واسطه این ویژگی خود یک فضا و بستر است که چون طبیعت یا ذهن نیست، مجازی است. این تعریف چه ارتباطی با زمان دارد؟ نخستین امری که برای فهمیدن جمله مزبور وجود دارد عبارت است از اینکه میان زمان و فضا و زمان واقعی فرق بگذاریم. فضا برای کانت شبکه‌ای است که بر روی واقع کشیده شده باشد. آنچه به طور انتزاعی از زمان در فکر دکارت و حتی ارسطو مصور است، در اینجا محو می‌شود و آنچه باقی می‌ماند، فقط تغییر است و تغییر و زمان به عنوان واقعیت نهایی ظاهر می‌شود (وال، ۱۳۸۰: ۳۷۶). در بحث پیش رو تلاش می‌کنیم تا طبیعی شدن این تغییر را نشان دهیم؛ یعنی جهان شبکه‌ای را با بحث زمان در زمانه فضای مجازی واکاوی کنیم.

در تئوری دوجوهانی شدن‌ها- دوفضایی شدن‌ها برای ورود به بحث زمان بررسی تفاوت جهان و فضا لازم است. جهان فضای مجازی جهان دلواپسی‌ها، اضطراب‌ها، هیجان‌ها، تضادها و تناقض‌هاست و فضای این شبکه نوعی فیزیک- اجتماع مبتنی بر تصویر است. ایده بحث پیش رو در همین مفهوم فیزیک- اجتماع فضای مجازی است که ابتدا بر زمان دارد. اساس این فضا بر امکان<sup>۳</sup> است. امکان در اصطلاح فیزیک در تعریف اندازه‌گیری کاربرد دارد. در تعریف اندازه‌گیری داریم: نوعی دخالت انسان در حالت یک سیستم فیزیکی که نتیجه‌اش همانا آفرینش موقعیت است یعنی به تحقق پیوستن یک امکان (باربور، ۱۳۸۹: ۳۳۹). موقعیت، فضای حرکت است و فضای حرکت تحقق یافتن یک امکان است. به عبارتی معرفتی که انیشتین نسبت به مقوله جهان و فضا در حوزه معرفت‌شناسی ارائه می‌کند، عبارت است از اینکه دیگر نمی‌توان همه حوادث آینده را با شناخت وضع کنونی پیش‌بینی کرد، بلکه تنها می‌توان برای آینده احتمالات را محاسبه کرد.

پس جهان و فضا در زمانه فضای مجازی با تحقق یافتن یک امکان به عنوان خلق یک موقعیت همپوشانی می‌یابد، اما تمایزات میان جهان و فضا همچنان باقی است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مگر در واقعیت جهان تحقق یک امکان برابر با خلق یک

- 
1. mentality
  2. universe
  3. Possibility

موقعیت نیست؟ آیا ادبیات فضا- امکان مولود قرن ۲۱ در زمانه فضای مجازی است؟ اول اینکه فضا صرفاً در حوزه فضای مجازی سازنده بعد سومی است که ظهور تصویر را امکان‌پذیر ساخت. مفهوم فضا و امکان در فیزیک نوین پایه‌های دوانگاری ذهن- بدن را در هم ریخت. اما در دوانگاری بدن تابع قوانین جبری است نه امکان. حال آنکه در موقعیت کاربر ما ذیل استاتیک او نوعی پیکربندی<sup>۱</sup> شکل می‌گیرد. دکارت و نیوتن متفکرانی همعصر محسوب می‌شوند که رفتار انسان را در حوزه امور انسانی جبری و قانونمند می‌دانند، اما باز در اینجا تفاوت اصلی رخ نمی‌نماید.

تفاوت به‌طور کلی در چهار برداشت از مفهوم فضا و زمان پیش از این وجود داشت:

فضای مفهومی: در هندسه کاربرد می‌یافت. فضایی که در ذهن عالم انتزاع می‌شد.  
فضای مشهود: فضایی که در ذهن شاهد با درک و اندازه‌گیری محسوسات سروکار داشت و به درک محسوسات توسط شاهد ساخته می‌شد و به محض قطع رشته محرکات حسی نابود می‌گردید.

فضای فیزیک: در علم فیزیک به‌عنوان واحد و ظرفی برای تمام اشخاص- اشیا و حرکات ساخته می‌شود که برای توجیه شبکه ترتب حوادث عالم خارج- حرکات سیارات- پیش‌بینی خصوص و کسوف به‌کار می‌رود.

فضای مطلق: نوع خاصی از فضای فیزیک که نیوتن به‌عنوان مبنای دستگاه مکانیک خود به‌کار گرفت. این فضا به عقیده وی بدون التفات به هیچ امر خارجی همیشه یکسان و ساکن است و در مقابل فضای شهودی خود را تعریف می‌کند.

زمان هم به همین چهار تعبیر وجود داشت:

زمان مفهومی: زمانی که برای مطالعه حرکات در دینامیک نظری به‌کار می‌رود.

زمان مشهود: در آگاهی فرد و تجربه ادراکی وی از زمان قرار دارد.

زمان فیزیک: واحدی است قراردادی برای اندازه‌گیری عملی زمان که حوادث بر مبنای توالی مطالعه می‌شود.

زمان مطلق: به عقیده نیوتن زمانی است یکسان و یکنواخت در سراسر جهان.

نیوتن معتقد بود فضا و زمان به‌خودی‌خود وجود دارند و اندازه‌گیری مطلق آنها حداقل امکان‌پذیر است (بیانی، ۱۳۸۸: ۷۳)، اما انیشتین با توجه به اصل اول و دوم نظریه نسبیت نتیجه گرفت زمان مطلق نیست و بسته به سرعت ما تغییر می‌کند. این تعبیر از زمان بازتاب فراگیری در حوزه معرفت‌شناسی داشت. هرچند از نظر نیوتن زمان مملو از ناشناخته‌ها و اسرارآمیز بود، اما رخدادها در درون آن براساس قوانین حرکت به‌وقوع می‌پیوستند و فرد شاهدی بی‌اراده و

تنها ناظر بود. اما در جهان انیشتین فضا و زمان صحنه را پویا می‌کرد و به فرم‌های عجیبی خم می‌شد و انحنا می‌یافت. به عبارتی فضا و زمان وجود مستقل ندارند، بلکه وحدت- جایگاهی دارند، یعنی با پیکربندی سروکار داریم که دیگر انتزاعی نیست، بلکه تغییر دارد. با این مقدمه به سراغ بحث خود یعنی زمان در فضای مجازی می‌رویم.

### زمان و پیوستار فضا: موقعیت کاربر و آن (لحظه)

در شبکه جهان مجازی تعبیر اول از زمان در بحث فوق تعبیر «آن- کلیک» است. در هر کلیک در هر آن یا لحظه پنجره‌ای گشوده می‌شود و افق یا چشم‌انداز جدیدی پدیدار می‌گردد. این زمان مبنای فیزیک و ریاضی دارد. بحث را با بررسی یک قانون قدیمی شروع می‌کنیم؛ قانون علیت. آیا در فضای شبکه این قانون کاربرد دارد؟

براساس ساختار علی جهان، با در دست داشتن شرح کاملی از حالت کل جهان در زمانی خاص، به کمک قوانین می‌توان هر واقعه‌ای را در گذشته یا آینده محاسبه کرد. این نظریه مکانیکی نیوتن بود که لاپلاس آن را تحلیل کرد. طبق این نظریه شرح حالت آنی جهان، نه تنها موقع مکانی هر ذره‌ای در جهان، بلکه سرعت آن ذرات را نیز در بردارد.

اما این زمان آنی در فضای نت، لحظه‌هایی می‌شود که در درون خود براساس نوعی تابع عمل می‌کند، یعنی توزیع احتمالاتی که در واقع نوعی گشودگی در موقع مکانی ایجاد می‌کند که این گشودگی در فکر محض و قابلیت‌های جدید هوش انسان جریان دارد. این جمله به چه معناست؟ وقتی کلیک می‌کنیم، این کلیک برحسب زبان ریاضی خود نوعی توزیع احتمالات گزینه‌های ممکن است در موقعیت کاربر، او با زبان ریاضی بی‌آنکه ریاضیدان باشد یا دارای دانش ریاضی باشد، خودبه‌خود حرف می‌زند؛ فکر ریاضی یعنی الحاق به گروه و دسته‌ای از توابع که این توابع در سطح رویین خود در قالب تصویر نمایش داده می‌شود.

این لحظه‌های آنی دیگر تعیین‌کننده موقعیت کاربر برحسب فیزیک ذره‌ای نیستند، بلکه در اینجا نوعی نسبت عمومی وجود دارد، مقادیر کمیت‌ها به شکل توزیع احتمالی خاص معین شده‌اند. از ارگان یا پیکربندی سخن گفتیم، اینجا دیگر ماده وجود ندارد، در واقع آنچه هست، برحسب نظریه نسبیت عمومی نوعی میدان است. میدان نماینده انرژی و ماده نماینده جرم است. در نظریه نسبیت، ماده نماینده مخزن عظیم انرژی است و انرژی خود نماینده ماده. به عبارتی، در میدان، ماده به معنای ثوابت وجود ندارد، بلکه سیالیت و شدن نوعی حرکت را ایجاد می‌کند.

این نوع حرکت در طول زمان‌های آنی برحسب بارگذاری‌هایی که اتفاق می‌افتد، مکث‌هایی را ایجاد می‌کند که در واقع این‌همانی ماده و انرژی را در بحث «بار» نشان می‌دهد.

پس نتیجه می‌گیریم میدان در واقع نوعی سیالیت را که در فکر محض شبکه ایجاد شده است، به موقعیت کاربر انتقال می‌دهد. این انتقال نوعی پیوستار را ایجاد می‌کند. شبکه ادامه بدن کاربر هست و نیست:

پیوستار ایجادشده فضایی را شکل می‌دهد که این فضا کاربر را یک‌تاز صحنه همه رویدادها نشان می‌دهد. این اطلاق در وضعیت نسبی او سیالیت را دامن می‌زند. کاربر در نوعی فضای اوهم‌گونه فرو می‌رود. این فضاست که برای او موقعیت ایجاد می‌کند: امکان‌ها لحاظ می‌شوند. برحسب اطلاعات داده‌شده پیامدها برحسب درجات احتمالی معلوم می‌شوند. این فرمول‌بندی که در درون تهی به زبان صفر-یکی است، در عمل نوعی انسان جدید می‌سازد.

### تکوین و تجدید نامتناهی: تهی و جریان زمان لحظه‌ای

اگر بخواهیم زمان لحظه‌ای را در شبکه نشان دهیم، لازم است توضیحی در مورد مبنای ریاضی و فیزیک آن داشته باشیم. این توضیح ما را وارد مبحث تحلیلی و آنالیز می‌کند. نظریاتی که روش تحلیلی آنها عناصر را به صورت تجربی از طریق مشاهدات کشف می‌کند و شاخصه‌های عمومی را ناشی از فرایند طبیعی می‌داند که به فرمول‌بندی روابط ریاضی منجر می‌شود.

به نظر می‌رسد این فرایندهای طبیعی در فاصله زمان-فضا-نور ما را به اثبات نوعی فضای تهی رهنمون می‌کنند؛ فضایی که دارای حرکت است. به عبارتی اگر ثابت کنیم در فضای تهی حرکت جریان دارد، آن وقت می‌توانیم آنچه انیشتین نتوانست در مورد اتر به اثبات برساند، دوباره موضوع بحث قرار گیرد. میان آنچه دیده می‌شود و آنچه دیدنی نیست (امر موهوم)، تهی را فرض می‌گیریم. تهی در اینجا فضای معلق یا خلأ نیست، یعنی آنچه انیشتین پیوستار ناقلیدسی می‌نامید، نیست، بلکه حرکت در تهی در قالب جریان بازسازی می‌شود. این جریان دارای میدانی است. این گرانش نه نور است نه فضا، نه زمان، نوعی غایب است؛ آنچه عدم و لاجود است. جهت خلق در این میدان است. جهت و برداری که ناورده است. جریان حرکت در تهی را می‌توان به عنوان بعد چهارم در المان جهان خط نشان داد. المان طول دی اس بیانگر نحوه ارتباط رویدادهای فیزیکی در فضا زمان چهاربعدی است: رویدادهایی که نورگونه به نظر می‌رسند، اگر به دی اس متصل باشند. بعد چهارم در تهی جریان دارد که در فضا-نور-زمان حاضر است و تأثیر می‌گذارد، اما تهی است. این تهی در مجموعه ریاضیات فازی قابل پیگیری است، زیرا متضمن ابهام است.

### استاتیک و جریان زمان لحظه‌ای

صفحه تقارن را در نظر بگیرید، در این صفحه شیء به دو نیمه تقسیم می‌شود و هر کدام از

تصاویر آینه تصویر دیگر است. این تصویر از جرقه در آینه یک واحد الگویی شکل می‌دهد و این الگو تکرار می‌شود. وقتی جرقه‌ها به آینه  $M$  و به سمت آشکارساز  $D$  باز می‌تاباند، زمان تیک قابل درک می‌شود، اما این رویدادها در دو بعد فضایی با جفت مختصاتی خود اگر مختصات را پهنه در نظر بگیریم، یک بازه فضایی ایجاد می‌کنند. این بازه در سه بعد فضایی به یک میدان و پیوستار تبدیل می‌شود.

تکوین این میدان برحسب هندسه اقلیدسی است. نقطه و خط راست و در حرکت شتاب‌دار طبق بحث گالیلو منحنی می‌شود. تکرار این الگو، رویدادها را در جهان نقطه‌ها نمایش می‌دهد. پس ناقلیدس می‌تواند نباشد، بلکه جهان نقطه‌ها در اثر گرانش تهی منتقل می‌شود، جرقه نوری در جهان نقطه  $X, Y, Z, T$  تولید شده برحسب تهی در جهان نقطه بپرس آشکار می‌شود. به عبارتی، از حلقه بین دو دایره هم‌مرکز به روی خودش که یک دایره را در جهت مثبت و دیگری را در جهت منفی حرکت می‌دهد، دست‌کم دو نقطه ثابت دارد. وقتی دو نقطه ثابت در دایره هندسی متشکل از جهان نقطه‌ها را در نظر بگیریم، فاصله شعاع تا محیط دایره بی‌نهایت خواهد بود.

اما در فرایند بین دو دایره صفر تا صفر بعدی نوعی پتانسیل ربایشی در تقارن کروی دیده می‌شود، این ربایش از کجاست؟ در واقع اینجا همان تهی است؛ تقارن را برهم می‌زند و با وارد کردن یک القای مغناطیسی ثابت  $B$  در میدان می‌شکند. پراکندگی تقارن‌ها و ذرات در این تقارن کروی نشان می‌دهد که برهم‌کنشی قوی در فضای سه‌بعدی تقارن دارند، نوعی پایستگی در میان زوج وجود دارد؛ جریان دوتایی صفر ویک.

این پایستگی در برهم‌کنشی قوی ذرات مولد گروه یا انتگرال‌های فضایی می‌شود. این کار به یک جبر جریان دارد؛ نظم تعبیه شده در نامتناهی. میدان‌های متقارن در قالب گروه تقارن‌ها شناسایی می‌شوند و جریان می‌یابند، سپس تحت انتقال قرار می‌گیرند. این نمونه‌ای از حرکت دایره‌ای صفر و یک در پیوستار است که حد را می‌شکند و نامتناهی را نشانه می‌رود.

این وضع ایده‌آل نیاز به آزمون دارد. این بحث و انتقال چرخش منشأ حرکت تقویمی توماس است که در جمله‌های مربوط به جفت‌شدگی اسپین (تکانه زاویه ذاتی ذره) در فیزیک هسته‌ای ظاهر می‌شود. در اینجا در فیزیک هندسه شبکه به زبان ریاضی نوعی تابع نقطه‌ای تابعی که مقادیرش نقطه هستند، شکل می‌گیرد. در این تابع تصویری از جهان نقطه حاصل می‌شود که تحت عمل تصویر کردن ناورده است. این جهان یک چهار بردار می‌سازد، بنابراین سازگاری بعد از دسترسی به توزیع صورت می‌گیرد. این توزیع خدمات یا سرویس‌ها براساس معادلات ریاضی در زبان صفر و تهی هنگامی فرد را در شبکه محض قرار می‌دهد که از او

می‌خواهد در استاتیک خود سازگاری ایجاد کند. این سازگاری با مطلوبیت در راستای اشتقاق و مشتق‌گیری حاصل می‌شود.

به این ترتیب تکوین در تهی است و تجدید در پایداری که دو زوج صفر و یک در مختصات و بهینه آن را به وجود می‌آورند. بقای زوج در روند به‌سوی نامتناهی به‌واسطه تقارن به‌وجودآمده در انتگرالی است که نزدیک به صفر است. در تهی رابطه صفر در اشتقاق از نسبت نوعی از زمان لحظه‌ای را ایجاد می‌کند که این زمان هنگام ورود به بعد سوم جریان می‌شود. پس آنها به حرکت مستمر یعنی جریان تبدیل می‌شوند.

### مفهوم جریان زمان در فضای مجازی

در فقدان ماده برحسب اصل بقا و پایداری زوج در لحظه جریان تجدید به‌صورت بی‌نهایت وجود دارد. اما در سپهر معرفتی معلق شبکه نوعی گزاره نیز شکل می‌گیرد؛ یعنی در جهان شبکه نوعی از نشانگان و زبان تصویری با استاتیک کاربر هم ارتباط می‌یابد. در واقع گفته شد شبکه ادامه کاربر نیز است. در اینجا به این نکته اشاره می‌کنیم که شبکه بین کاربر میل او در واقع درگیر می‌سازد. و نسبت به امکان‌های موجود یا غیرموجود تمامیت دارد. نوعی از انطباق و سازگاری در وضعیت به‌وجود می‌آید. این سازگاری با مطلوبیت در راستای مشتق‌گیری حاصل می‌شود.

در اینجا این تئوری به ما می‌گوید حیات در فضای مجازی طبیعتی را ایجاد می‌کند و ذهن را در درون ذهن می‌برد. در واقع جهان مجازی نسخه دیگری از جهان در ذهن است، زیرا برنامه‌نویسی برحسب قواعد ریاضی است و ساختار فضا در فضای مجازی براساس میدان و ذهن کوانتومی ساخته می‌شود. در اینجا مفهوم قرارداد بیش‌ازپیش برجسته می‌شود.

### مفهوم زمان تجاری در فضای مجازی

به‌غیر از تبلیغات آنچه در فضای مجازی ذیل زمان تجاری مطرح می‌شود، تجارت زمان است. تجارت زمان نوعی بده-بستان است. میان کاربر و مبلغان فرهنگی سیاسی اجتماعی و تاجران، هر آنکه در این فضا می‌خواهد فرآورده خود را تحت عنوان داده یا کالا به رقابت بگذارد.

زمان تجاری زمانی است که در واقع تجارت ثانیه ثانیه تولیدات انبوه فرهنگی را فقط در صورتی می‌تواند به مصرف انبوه راهی کند که از ساختار ناخودآگاه در غلبه تصویر بر کلمه سود جوید، فروش نیست، بلکه فراغت نیز هست. پس می‌بینیم زمان تجاری بن‌مایه بحث معرفت‌شناسی زمان در تئوری‌ای است که می‌خواهد حیات فرهنگی واقعی را با رقابت‌های درونی فضای مجازی که تحت عنوان شبکه مطرح می‌شود، به نزدیکی برساند تا هویت‌های پایدار فرهنگی ایجاد کند.

پس فضای مجازی چنانچه در قالب سبک و الگوهای فرهنگی نسبت به عقلانیت زمانه خود زمان را در اختیار دارد.

### مفهوم زمان به مثابه زمانه فضای مجازی

در شروع قرن بیست و یکم با تئوری جدیدی روبه‌رو هستیم: تئوری بازی. در واقع اگر بخواهیم به تئوری دوفضایی شدن و تئوری بازی نقبی بزنیم، لازم است بگوییم بازی‌ها بیش از سنجش رفتار اقتصادی افراد با الگوهای فرهنگی سبک‌های زندگی مطابقت دارد. امروزه واژه‌ای به نام طبیعت فرهنگی طرح می‌شود. طبیعت فرهنگی به‌عنوان همزیستی نبرد بی‌پایانی است که بین طبیعت در برابر تربیت یا ژن‌ها در برابر محیط مطرح است. در سال ۲۰۰۵ کتابی به‌هنگام ارائه نظریه بازی چاپ شد که در آن روان‌شناسان تکاملی ادعا می‌کردند تطابق‌های روان‌شناسی به‌صورت بخش‌بخش کامپیوترها برای هدف خاص ایجاد شده است. در واقع هرچند این تئوری نیز مورد انتقاد قرار گرفت، اما انسان جدید ذیل تئوری جدید که لازم بود در بازتولید سرمایه در نظام سرمایه‌داری تحت کنترل و برنامه‌ریزی برای مصرف قرار گیرد. زمانه فضای مجازی و زیست‌جهان آن، یعنی پارادایم علم و فناوری، عقلانیت تکنولوژیک، فضای مجازی و جهان زندگی شبکه‌ای، زبان ریاضی جهان شبکه‌ای، فضا، استاتیک کاربر، متافیزیک و معرفت‌شناسی زمان در جهان شبکه (مفهوم افق)، لایتناهی و صفحه (پیوستار و میدان).

### مفهوم قرارداد تصویری در فضای مجازی

اما بازنمایی و نموداری شدن جهان در حقیقت سلسله‌ای از روابط جدیدی را میان ذهن انسان و جهان بیرون اعتبار می‌بخشد که صرفاً به‌مثابه بازتاب و تصویر جهان نیست، بلکه بر امکان فهم و ادراک جهان در قالب تصویر دلالت دارد. منظور از بازنمایی صرفاً نشان دادن تصویر نیست، بلکه نموداری از فرو کاستن جهان به یک سلسله معیارها و هنجارهای خاص است؛ تصویری که پیکربندی را میان زندگی واقعی و شبکه ایجاد می‌کند.

زیست فضای مجازی زمانه‌ای است انباشته از مفاهیم داده و سرعت، نور، رنگ و جذابیت‌های هوش در تکنولوژی. در این زمانه، ما از مفهوم زمان تجاری صحبت می‌کنیم؛ زمانی که تاراج می‌کند و به غارت می‌برد آنچه را که کالای فرهنگی نامیده می‌شود. سخن از سری‌سازی و تولید انبوهی است که مصرف تبلیغاتی دارد، اما این غلبه تصویر بر کلمه نوعی از تفکر تصویری را رقم زده است که متناسب با هوش در تکنیک است.

کاربست مفهوم بازنمایی در مناسبات زندگی روزمره این‌گونه توضیح داده می‌شود که حضور فراگیر و مداوم تصاویری که اطراف ما را فرا گرفته‌اند و انسان را به‌سوی نوعی



خیالپردازی دوگانه سوق می‌دهند. خیالپردازی که توسط تصاویر در ما قوت می‌گیرد، ما را در جهانی سکنی می‌دهد که در وجه اول انتزاعی است. همچنین در ناخودآگاهش بی‌ارتباط با نسبت‌ها، سیاست‌های بازار و مصرف‌گرایی را تعقیب می‌کند.

این شکل از غلبه تصویر، با هجوم انبوه اطلاعاتی که میل را مخاطب خود می‌سازند، در قالب نوعی تداعی، نوعی تظاهر به آگاهی، نوعی از آدمی بودن را شکل می‌دهد که به نقل از عاملی در انسان توده‌ای (خوزه اورتگایی گاست)، انسان کمی (برنارد رونز)، انسان تکنیکی (مایلز) مورد بحث قرار می‌گیرد. این تظاهر به آگاهی آنقدر انضمامی می‌شود که وقتی به فرد گفته می‌شود: پیشرفت/ او خواهد گفت ماشین.

این انسان و این نوع از آدمی بودن، نوعی انسان منتشر است، چراکه تصاویر، به واسطه تداعی با تکثیر معانی که پیشاپیش براساس منطق خواست و میل، سازماندهی و گزینش شده‌اند، ترس، رنج، کنجکاوی و شور را در لحظه‌های آنی برای ما ایجاد می‌کنند و فرد را به انسانی منتشر بدل می‌سازند که مصرف‌کننده این تصاویر بالاخره مصرف‌کننده کالایی خاص است، بی‌آنکه گفت‌وگویی در جریان باشد، فرایندی که فرد را به سمت مصرف کالای خاص سوق می‌دهد، بی‌آنکه تحلیلی اتفاق افتد، در متن جریانی یکسویه است که گوی او را اسیر می‌سازد.

نتیجه آنکه، امکان‌هایی که فرد در زندگی روزمره در اختیار دارد تا بتواند تأمل و تفکر را در معنای اصلی در زمانی به‌کار گیرد، از بین می‌رود و وی برده و خدمتگذار تصاویر می‌شود. هرچند گفته می‌شود به‌واسطه تصاویر می‌توان اذهان نقاد ایجاد کرد:

«فرض بر آن است که ما ذهن را آزاد می‌کنیم، درحالی‌که صرفاً او را در باتلاق جهانی انباشته از تصاویر و دغدغه امور فنی زمین‌گیر می‌کنیم. شهود حسی قطب مقابل خردورزی است؛ تداعی انگاره‌ها کوچک‌ترین امکان دقت و انتظام اندیشه منطقی را از میان برمی‌دارد. نباید تصور کنیم که فرد مطلقاً آزاد است که همزمان هر دو بازی را پیش ببرد و هر دوی این ابزارها را به شکلی برابر به‌کار بگیرد، زیرا هریک از آنها به‌گونه‌ای ژرف فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند» (ایول، ۱۳۹۱: ۶۷۲).

بنابراین، تصویری شدن جهان در شیوه زندگی روزمره، نوعی از تأمل را ایجاد می‌کند که وی را در نهایت زمین‌گیر می‌کند، چراکه فرد در انبوهی از تصاویر غرقه می‌شود و این تصاویر امکان پیش بردن بازی زبانی‌های همزمان تأمل و تفکر را ندارد و بالاخره وی را دچار نوعی انتشار و سردرگمی می‌کند. کیفیت به‌کار بردن دنیای مجازی است که براساس آن هدف آموزشی، چگونگی نظارت بر قاعده‌مندی‌های معطوف به بدن منتشر در حیطة فهم، ادراک، نگرش و رفتار است.

این قاعده‌مندی دربردارنده نوعی نظم است که تنوع و تفاوت را به‌واسطه بحث‌های نشانه‌شناسی می‌پذیرد. مسئله مورد بحث این است که همواره رابطه دوسویه‌ای میان بدن منتشر و اضطراب دیده می‌شود، طغیان‌های مزبور نیازمند تربیت میل در سایه نظارتی آموزش‌محور است که حریم را در شبکه نیز مورد حمایت قرار دهد. نظارت در این بحث با کنترل تفاوت دارد، سرعت پذیرفته می‌شود، اما خود میل موضوع تحلیل است. در این وضعیت تربیت مدنی بدن منتشر صرف‌نظر از نوعی قبض و بسط‌های غیرعادی ذیل نوعی توالی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. بنابراین، بخش دوم بحث نظارت بر تبلیغات یا آموزش را پیش می‌برد، به‌طوری‌که از حیطة فهم آغاز می‌کند، در ادراک تفسیر می‌شود و به نگرش می‌رسد تا رفتار را قاعده‌مند سازد.

اینکه دانش چگونه کاربرد پیدا می‌کند. این فرهنگ جدید انسان جدیدی را هم پرورش داده است. استاتیک این انسان، جسمانیت او، ذاتقه و امیال او و هر آنچه مربوط به انسان است، تغییر پیدا کرده است، گویی لازم است تعریف دیگری از انسان مطرح شود؛ تعریفی که متناسب با زیست جهان این انسان در قرن بیست‌ویکم باشد.

### وضع طبیعی و فضای مجازی

نظام‌های هوش مصنوعی بر پایه تجربه، دانش و الگوهای استدلالی به‌وجود آمده‌اند؛ آنها هوشمندی طبیعی هستند. سازوکار هوش مصنوعی در شبکه خود را در قالب گزاره‌هایی مطرح می‌سازد که به‌نوعی حاصل ضرب دودویی است. درلخت، دودویی است و در ساخت موقعیت نوعی هوش اجتماعی را ایجاد می‌کند. در هوش اجتماعی فرایندهای استدلال، رفتار، عمومیت و خلاقیت در سپهر معرفتی معلق شبکه به‌صورت نوعی گزاره قابل دریافت است. دستیابی به این هوش در شبکه براساس بحث‌های گذشته امکان‌پذیر است. اگر بخواهیم ثابت کنیم که همه اعداد طبیعی خاصیت ویژه‌ای دارند، برای مثال خاصیت تهی، این نخستین گام استقراست. گفته شد که عدد صفر خاصیت تهی دارد.

در واقع احتمالات او را در فضایی از تصور آزادی قرار می‌دهد، اما در واقع او محصور شده است. پس شبکه بدن کاربر هست و نیست. بازگردیم به بحث اولمان بحث نظم، این چنین نظمی دراپوخه خود را فاقد مسئولیت اخلاقی و قانونی نشان می‌دهد. در واقع به زبان تصویر تمام جهان طبیعی، برای ما آنجا قرار دارد. آنجا در دسترس می‌شود یا از دسترس خارج می‌گردد.

پس وجود کاربر، با توجه به مقوله بار و میدان خطر این را دارد که در سیالیت مدام فکر او را تمییز کند، متمیزه شدن رادیکالیسم را در او ایجاد خواهد کرد، زیرا همواره او یک آنجایی

شده که در واقع وجود ندارد و وجود طبیعی را جعل و مجاز کرده است. تعریف این وجود مجاز این است، وضع واقع‌های اتمی که با کلیک و بارگذاری به امکان‌های تحقق‌یافته بدل می‌شوند. در اینجا هر گزاره با کلیک باز می‌شود.

### نتیجه‌گیری

وضع طبیعی و مفهوم قرارداد و زمان هنگامی در فضای مجازی با سیاست پیوند می‌خورد که از بحث ایدئولوژی فاصله بگیریم. در فضای مجازی ایدئولوژی نیز تصویری و نوعی نمایش دادن است. آموزش ایدئولوژی و نت و تربیت ذهن کاربر براساس نمایش است. تداعی‌ها در داده‌های دریافتی به‌واسطه محرک‌های حسی - بصری نوعی از آموختن درونی را بدون اطلاع و آگاهی رقم می‌زنند. در اینجا با بحث عشق جهانی فروید و گروه‌های دوستی روبه‌رو می‌شویم. عشق جهانی مبنای سود داشتن و میزان منفعت داشتن فردی است.

از فیزیک چگونه سود نتیجه گرفته می‌شود؟ نظریه اطلاعات کوانتومی که براساس آن یک کوانتوم توضیح داده شده است. در نظریه بازی تبلور یافته ریاضیات می‌تواند واسطه‌ای جهت ادغام اقتصاد و روان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی به‌همراه زیست‌شناسی و فیزیک باشد. در واقع ما با سؤال ابتدایی خود به یک بحث اصلی رسیدیم. طبیعی‌سازی در جهان شبکه چیست؟ در جهت حرکت عقربه ساعت سپس در جهت مخالف حرکت عقربه ساعت زمان در دورانی معنا داشت. این همان علامت مکث در نت است. از این حرکت ساده چه می‌خواهیم بفهمیم؟ کاربر براساس هوش روی در ساختار فضا فرایندی را طی می‌کند که به کمک تصاویر فکر می‌کند. فکر او تابع منطق فرموله‌کردنی دیگر نیست که به زبان ریاضی برنامه‌نویسی شده است. بلکه سؤال این است که چگونه ریاضیات مبنای پدیدار می‌شود؟ پدیدار شدن به این صورت است که همانند دوران کودکی ناخودآگاه درگیر پیدا کردن اشکال یا صورت‌های مخفی در نقاشی یا ابرها می‌شود. اشکال شبیه به آن در ذهن کودک مجسم می‌شوند، هنگامی که این اشکال یافته می‌شوند، آنها مجدداً به زمینه و متن باز نمی‌گردند، زیرا شیوه نگاه کودک تصویر را تغییر داده است. در موتور سرچ گوگل لینک‌ها داده‌های همبسته تولید نمی‌کنند، بلکه ناخودآگاه هوش کاربر را درگیر می‌سازند و در اینجا قواعدی برای هدایت وی وجود دارد. وضع طبیعی فضای مجازی مؤلفه‌هایی داشت: هستی، طبیعی بودن، فضا، وضعیت نوع کنشگری انسان و ناظر انسان.

در این بحث با ذات تکنولوژی با عنوان «گشتل» مواجهیم. در واقع اساس هر نوعی از تکنولوژی «علیت» است، جهان در شکوه قدرت آفریننده خلاقانه‌اش به شکلی شگفت‌آور «حیرت‌انگیز» است. گشتل چارچوب‌سازی شد. می‌توانیم از بحثی به نام طبیعت شبکه صحبت

کنیم. آیا شبکه امروز نوعی طبیعت با احاطه بر نشانگان و نمادهای نمونه در واقع نسبت ریاضیات در شبکه از نوع شباهت است. در چنین قواعد یا ابداع قواعد جدید؟ پارادایم دوفضایی شدن جهان فهم جهان واقعی بدون درک جهان مجازی و برعکس، مطالعه جهان مجازی بدون توجه به متغیرهای جهان واقعی، مطالعه و نگاه گرفتار نوعی فضای فهم می‌بینید. در حوزه فضای مجازی، خانه هستی رنگ و بوی زندگی دیگری را به خود گرفته است و در شبکه‌های اجتماعی سخن از گروه‌های دوستی و آن‌گونه که فروید می‌گفت، عشق جهانی است. اما می‌خواهیم این عشق جهانی را به‌مثابه نوعی رمزگان بررسی کنیم. اقتصاد ماشین بر اعتبار استوار است. جایی که طبق نظریه نش ثروت فانی به سرمایه‌ای غیرفانی تبدیل می‌شود. زمان اعتباری انسان‌ها یا نسبییت زمان تحت عنوان زمانه و زمان به‌مثابه سرعت تغییر و زمان به‌مثابه زمان تجاری سرمایه به پیگیری تبدیل شده که گرایش دارد فرایندی را ایجاد کند که در آن فضای مبادله در زمان و مکان مبادله ادغام شود. جوهر سرمایه رابطه و معادله در معنای ریاضی آن است. در اینجا سرمایه‌داری به‌مثابه نظام آکسیومی است که براساس منطق ریاضی بر حوزه اقتصادی اجتماعی براساس مدل‌ها آکسیوم‌گذاری کمیات انتزاعی را براساس مصرف بیشتر کدگذاری می‌کنند. به‌عبارتی این آکسیوم‌ها ذیل منطق کمی خود در خانه هستی که حالا صورت مجازی به خود گرفته، انقلابی فرهنگی در متافیزیک ایجاد کرده است. یکی از پیامدهای این انقلاب در معنای تغییر معنای زمان است و زمانه فضای مجازی وضع طبیعی دیگر است.

## منابع و مأخذ

۱. آینشتاین، آلبرت؛ اینفلد، لئوپولد (۱۳۸۴). تکامل فیزیک، ترجمه احمد آرام، ج سوم، تهران: خوارزمی.
۲. آینشتاین، آلبرت ((۱۳۸۹)). نسبییت و مفهوم نسبییت، ترجمه محمدرضا خواجه‌پور، ج سوم، تهران: خوارزمی.
۳. باربور، ایان (۱۳۸۹). علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ج هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. بورن، ماکس (۱۳۸۸). نظریه نسبییت انیشتین، ترجمه هوشنگ گرمان، ج چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. قادری، سید حمیدرضا (۱۳۹۱). جستارهایی در رسانه، مقاله ژاک ایول، تصاویر: فاتحان امروز، ترجمه نیکو سرخوش، ج ۳، قم: انتشارات ادیان و مذاهب.
۶. ----- (۱۳۹۱). جستارهایی در رسانه ایول، ژاک، فرد معطوف به تصویر، ترجمه مجید اخگر، ج ۳، قم: ادیان و مذاهب.
۷. کارناپ، رودلف (۱۳۹۰). مقدمه ای بر فلسفه علم، ترجمه یوسف عفیفی، ج چهارم، تهران: نیلوفر.
۸. کلاین، موریس (۱۳۸۸). نقش ریاضیات در فرهنگ غرب، ترجمه محمد دانش، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. وال، ژان (۱۳۸۰). بحث در مابعدالطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، ج دوم، تهران: خوارزمی.